

عطای پهلوان

نیم‌نگاهی به زندگی عطا احمدی یکی از معلمان بزرگ کرمان

جعفر ربانی

تصویر گر: مرتضی یزدانی

پدرش مردی خواروبارفروش و در عین حال علاقه‌مند به تعلیم و تربیت فرزندان خود و مادرش از بختیاری‌هایی بود که سال‌ها قبل همراه حکام بختیاری به کرمان آمده و در این شهر مقیم شده بودند. عطا نخست در مدرسه کاپوانی که از موقوفات زردشتیان بود و سپس در دبیرستان ایران‌شهر، که آن هم یک مدیر زردشتی به‌نام میرزا برزو آمیغی داشت و نامش تا امروز در کرمان زبانه زد است درس خواند. سپس به دانش‌سرای مقدماتی رفت و در هجده سالگی معلم شد (۱۳۳۳). کارش را از دبستان روستای گوغر در شهرستان بافت آغاز کرد که در

نشناخته‌اند، معرفی او فرض یا فریضه‌ای است بر دوش ما که باید آن را ادا کنیم. نخست بگویم که آنچه عطا احمدی را جزو معلمان نام‌آور کرمان ساخته، تلاش‌های بی‌امان او در ساختن مدرسه و انجام دیگر خدمات آموزشی، عمرانی و رفاهی برای معلمان است؛ هرچند خدمات آموزشی وی در سال‌های معلمی‌اش را هم نباید از یاد برد. اما نخست ببینیم این معلم کیست!

عطا احمدی که اکنون در آستانه هشتادمین سال عمر با برکت خود قرار دارد، در آذرماه ۱۳۱۵ در روستای هیمنان در کوهپایه کرمان به دنیا آمده است.

اردی‌بهشت‌ماه امسال، در بیست و هشتمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، از کتابی با عنوان «عطای پهلوان» رونمایی شد. این کتاب زندگی‌نامه داستانی یکی از معلمان حاضر کرمان به‌نام عطا احمدی است و به قلم محمدعلی علومی به رشته تحریر کشیده شده است. عطا احمدی برای مردم کرمان شناخته‌تر از آن است که نیازمند معرفی، آن هم در این مختصر، باشد و هرگونه معرفی او برای کرمانیان، حقیقتاً زیره به کرمان بردن است؛ اگرچه چندان هم خالی از فایده نیست. اما برای دیگر کسانی که تاکنون این چهره بی‌نظیر را



✕ مدرسه‌سازی ✕

چنین که برمی‌آید، عطا احمدی از همان سال‌های معلمی در مدارس، در پی انجام امور خیر و کمک به معلمان و دانش‌آموزان بوده است. وی در همان سال‌ها حساسی به نام «حق محروم» باز کرده بود و با دریافت کمک از همکاران و دوستان و اقوام و افراد نیک‌اندیش، خدمات ارزشمندی به دانش‌آموزان بی‌ضاعت ارائه می‌داد.

اما عمده خدمات پهلوان عطا، بعد از بازنشستگی‌اش، در سال ۱۳۶۰ انجام شده است. اکنون طی نزدیک به ۳۵ سال که از بازنشستگی او می‌گذرد، وی توانسته است علاوه بر ده‌ها مدرسه با هزاران متر مربع فضای آموزشی، خدمات دیگری از جمله ساخت سرای سالمندان کرمان، احداث ۱۳۶۰ واحد مسکونی، چند مدرسه شبانه‌روزی، ساخت اردوگاه‌های شهید باهنر و شهید رجایی و ده‌ها کار عام‌المنفعه دیگر انجام دهد. وی حتی برای کمک به افغانی‌های آواره، دو مدرسه زیبا و محکم در بردسیر و رفسنجان ساخته است. اما یکی از نقاط درخشان کار او احداث ۴۰ باب مدرسه به نام ۴۰ شهید در نقاط مختلف کرمان است. عطا احمدی هر چند تقریباً یک‌تنه و بدون هرگونه چشمداشتی کار کرده است، در عین حال، خدمات خود را در قالب تأسیس تشکیلاتی سازمان یافته به انجام می‌رساند. از جمله اینکه دو بنیاد، یکی به نام «بنیاد نیکوکاری حضرت محمد(ص)» برای احداث سرای سالمندان کرمان و دیگری «بنیاد نیکوکاری حضرت ابوالفضل(ع)» برای کمک به دانش‌آموزان بی‌ضاعت، تأسیس کرده است.

✕ سلوک شخصی ✕

عطا احمدی ویژگی‌های عجیبی در زندگی شخصی خود دارد. از مال دنیا جز دو چرخه‌ای، چیزی ندارد. معمولاً اهل پذیرفتن هدیه و جایزه نیست و اگر هم هدیه‌ای بگیرد، آن را صرف امور خیریه می‌کند. در تربیت فرزندانش (۹ فرزند) هم به آن‌ها «نان و پیاز» داده است و هم «چلوکباب» تا مبادا محرومان جامعه

آنجا مدیر - آموزگار شد. طی پنج سال در گوغر و دیگر روستاهای کرمان خدمت کرد و پس از آن به کرمان انتقال یافت و همچنان به خدمت در مدارس و سپس در بخش دفتری و اداری نیز به کار ادامه داد. اگرچه خدمات مدرسه‌سازی عطا احمدی سبب شده زندگی معلمی و در واقع مشی آموزشی و تربیتی وی کمرنگ دیده شود، اما از لابه‌لای آنچه درباره‌اش گفته‌اند، می‌توان به ظرافت و دقت او در کار معلمی نیز پی برد. به چند نکته در این خصوص اشاره می‌کنیم: غلامحسین بیجاری یکی از شاگردان او که امروز همکار و دستیار او شده، گفته است: «زمانی که در دبستان جیحون محصل بودم آقای عطا احمدی معلم کلاس ششم بود. او همیشه موهایی سرش را کوتاه می‌کرد و به مدرسه می‌آمد تا وقتی به شاگردان توصیه می‌کند موهایی خود را کوتاه کنند، خودش هم نمونه‌ای عملی برای آن‌ها بوده باشد. زنگ‌های تفریح را هم در کلاس می‌ماند و مشکلات درسی بچه‌ها را برطرف می‌کرد.»

نوشته‌اند، در سال‌های معلمی، یکی از فرزندان خردسالش را از دست داد. با حجمی از اندوه پیکر فرزند معصوم را در اتاق گذاشت، به مدرسه رفت و ساعاتی را که موظف بود به تدریس بگذراند با دانش‌آموزانش سپری کرد. سپس به خانه آمد و بغض فروخورده‌اش را شکست و فرزندش را به خاک سپرد. و بالاخره اینکه: «هنگامی که در روستای رابر خدمت می‌کرد، دو نمایش‌نامه اخلاقی و تربیتی نوشت و در دو سال مدیریتش، آن را با همکاری معلمان اجرا کرد. برای نمایش بلیط فروخت و با پولی که گردآوری شد، برای دانش‌آموزان بی‌ضاعت - بدون آنکه خودشان باخبر شوند - لباس و کفش و لوازم تحریر خرید.

عطا احمدی از جوانی با شهید دکتر محمدجواد باهنر - وزیر آموزش و پرورش در سال‌های نخست انقلاب - دوست بود. شهید محمدعلی رجایی هم او را می‌شناخت، چنان که گفته بود «اگر در هر یک از استان‌ها یک نفر مثل عطا احمدی داشتیم، وضعمان از این بهتر بود و مشکل فضای آموزشی در کشور نداشتیم.»

به گفته خودش «یعقوب لیث صفاری!» را فراموش نکنند. در سال ۱۳۸۵، وقتی همسر عزیزش خانم زهرا عراقی فوت کرد، احمدی خانه‌اش را به بنیاد نیکوکاری حضرت ابوالفضل اهدا کرد که با بازسازی آن خانه «مدرسه دخترانه زهرا عراقی» را ساختند که اکنون دانش‌آموزان در آن درس می‌خوانند. از آن پس، عطا احمدی خود در اتاقی در ساختمان اداری آموزش و پرورش به تنهایی زندگی می‌کند.

✕ دریافت نشان ✕

خدمات عطا احمدی چنان گسترده و چشم‌گیر بوده است که وی در سال ۱۳۷۵ در مراسمی با حضور رئیس‌جمهور وقت - آیت‌الله هاشمی رفسنجانی - به دریافت نشان تعلیم و تربیت و خدمت مفتخر شد و این در همان جلسه‌ای بود که - شادروان - جعفر علاقمندان، معاون وقت وزیر آموزش و پرورش، نیز به دریافت همین نشان نائل آمد. بار دیگر نیز در سال ۱۳۷۷ در جشنواره سراسری خیران مدرسه‌ساز جایزه و تقدیرنامه‌ای از دست رئیس‌دولت اصلاحات دریافت کرد. در آن جلسه، به وی ۲۰ سکه بهار آزادی تقدیم کردند، ولی او بعداً همه را به موقوفه حضرت ابوالفضل(ع) اهدا کرد. ماجرای عطا احمدی ادامه دارد و او همچنان در کرمان به انجام خدمات دیرپای خود مشغول است.

در پایان باید اشاره کنیم که عطا احمدی از دوره کودکی و نوجوانی اهل ورزش، در همه رشته‌ها، بوده است. گفته‌اند پدر و مادر او در نوجوانی به او می‌گفته‌اند: «عطا خانوا! تو باید پهلوان بشی، چون مرد بشی و به مردم خدمت کنی و دست افتادگان را بگیری» و با وجود کم‌بضاعتی، برای او وسیله ورزشی زورخانه می‌خریده‌اند. از این‌رو، عطا در جوانی، در امر ورزش و تندرستی سرآمد و مدتی نیز کاپیتان تیم والیبالی کرمان بود. از این روست که به «عطای پهلوان» شهرت یافته است.